

جایگاه حمایت از بزه دیدگان جرایم سایبری در مقررات کیفری حقوق داخلی و حقوق بین الملل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۱

ابراهیم اسلامی*

چکیده

فناوری اطلاعات نه تنها زندگی انسان را متحول ساخته است بلکه توانسته است «فضای» جدیدی بنام فضای سایبری را ایجاد کند، فضای سایبری به واسطه عناصر تشکیل دهنده و ماهیت خاصی که دارد توانسته است هم در خدمت انسان باشد و هم اینکه به عنوان ابزاری برای ارتکاب برخی از اعمال غیر قانونی باشد. فضای مجازی همچون فضای حقیقی، محلی را برای ارتکاب جرایم توسط بزهکاران فراهم آورده است و آن‌ها دیگر کنش‌گران حاضر در این فضا را مورد سوءاستفاده قرار می‌دهند. ماهیت گسترده و فرامرزی بودن این جرم باعث شده است تا از حیث مقابله با جرم سایبری و حمایت از بزه‌دیدگان آن تاکنون اقدام مؤثری از سوی کشورها صورت نپذیرد. لذا در این مقاله تلاش شده است با روش توصیفی و تحلیلی پس از جمع‌آوری و تبیین مقررات کیفری داخلی و بین‌المللی موجود و تحلیل آن‌ها با توجه به ضرورت حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری در عرصه داخلی و حقوق بین‌الملل چاره‌اندیشی مناسبی شناسایی و ارائه گردد. متأسفانه قواعد موجود و سازوکارهای فعلی در چارچوب حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کافی، مؤثر و رسا نمی‌باشند. و در عرصه بین‌المللی می‌توان با ایجاد اجماع بین‌المللی نظیر تنظیم معاهده بین‌المللی ناظر بر فضای سایبری تشکیل پلیس بین‌المللی فضای سایبری، تشکیل دادگاه ویژه فضای سایبری و... اقدام نمود و در حقوق داخلی دادگاه‌های ملی می‌توانند با توسل به اصول مختلف حاکم بر صلاحیت به ویژه اصل صلاحیت جهانی در حمایت از بزه‌دیدگان مؤثر باشند، کما اینکه اصلاح قانون فعلی جرایم رایانه‌ای و آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای کشورمان به شرح ایرادات و ابهاماتی که در این مقاله منعکس شده است، می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

واژگان کلیدی

فضای سایبر، جرم سایبری، حمایت، بزه‌دیدگی، صلاحیت جهانی.

مقدمه

پیدایش و رشد بی‌سابقه فناوری‌های رایانه‌ای شبکه محور، تحولات شگرف و دستاوردهای سترگی را در جهت جامعه انسانی به‌سوی قله‌های پیشرفت اجتماعی همراه داشته است. بی‌تردید، عمده‌ترین دلیل شکل‌گیری این دنیای جدید، رهایی از این قالب خاکی بوده است که محدودیت‌ها و موانع، بشر را بر آن داشت تا به آرمان خود که دستیابی به دنیای بی‌مرز است، دست یابد. اما ظهور فضای جدید نیز خالی از هرگونه ایراد و اشکال نبوده و موجب شده تا فضای مجازی که حاصل پیشرفت فناوری رایانه‌ای می‌باشد همچون ره‌آوردهای دیگر حقوقی مقررات و رژیم حقوقی خاصی را پدید آورد و کنش‌گران موجود در این فضا را مورد حمایت قرار دهد.

حمایت از بزه‌دیدگان سایبری از آن رو حائز اهمیت است که انسان دارای کرامت، از حقوقی برخوردار است و این حقوق فارغ از نژاد، رنگ، مذهب، ملیت، وضعیت اقامت و ... محترم است و پاسداشت این حقوق اساسی که حقوق بشر نام دارد و جزء مسئولیت اولیه دولت‌هاست که از نقض حقوق بشری یا انسانی اشخاص در هر فضایی اعم از حقیقی و مجازی جلوگیری کنند و در صورتی که به هر دلیلی این حقوق نقض شد، باید با سازوکار مناسب قضایی و اداری و مساعدت به قربانیان بر اعاده حقوق نقض شده اهتمام نمایند (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۳۲). جرم سایبری با توجه به نوظهور بودن آن و پیامدهای حاصله از آن در کشور ما هم بدون تأثیر نبوده، لذا مقنن کشورمان از سال ۱۳۸۸ با تصویب قانون جرایم رایانه‌ای قدم‌های نخست را در جهت مقابله با این جرم برداشته اما متأسفانه قواعد موجود مؤثر و رسا نبوده و راجع به جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری نیز سازوکاری پیش‌بینی نشده است آنچه که به‌عنوان سؤال اصلی این مقاله مطرح است اینکه آیا در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مقررات کیفری وجود دارد یا خیر؟ و مقررات حمایتی موجود چگونه ارزیابی می‌شود؟ و آنچه به‌عنوان فرضیه مطرح می‌شود آنکه در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی به‌صورت صریح و مشخص مقرراتی پیش‌بینی نشده

است و از این حیث دارای ابهام و اجمال می‌باشد که بایستی تدابیر مناسبی اندیشیده شود. و از نظر پیشینه تحقیق باید گفت موضوع این مقاله موضوع بین‌رشته‌ای، بین حقوق بین‌الملل و حقوق جزایی است که از نوآوری‌های این مقاله محسوب می‌شود گرچه راجع به حمایت از بزه‌دیدگان در مقررات جزایی کشورمان و حقوق بین‌الملل موضوعاتی پیش‌بینی شده است ولیکن راجع به حمایت از بزه‌دیدگان این جرم، (جرم سایبری) مقررات صریحی پیش‌بینی نشده است و در این حوزه تحقیقاتی تاکنون صورت نگرفته و بر فرض وجود آن هم اصلاً مؤثر و قابل توجه نبوده است. آنچه به اهمیت موضوع این تحقیق می‌افزاید جایگاه حمایت از بزه‌دیدگان سایبری در علوم جنایی چه در حوزه بزه‌دیدگی شناسی و بزه‌دیدگی حمایتی می‌باشد، چون امروزه فضای سایبری تأثیر فزاینده‌ای در زندگی روزمره تمام مردم دنیا دارد که این امر توانسته خطرات و مشکلات جدی‌ای را فراهم نماید. به‌طور مثال: امروزه فضای سایبر می‌تواند محیطی برای تحقق جرایم یا جنایات بین‌المللی مثل نسل‌زدایی علیه بشریت و... و در حد پیشرفته‌تر جنگ سایبری یا تروریسم سایبری قرار گیرد که نگرانی و دغدغه بسیاری از کشورهای جهان را فراهم نموده است که در این راستا متأسفانه راجع به حمایت از بزه‌دیدگان سایبری تاکنون چه در مقررات داخلی و چه در عرصه حقوق بین‌الملل اقدامات مؤثری صورت نگرفته است.

۱. مفاهیم

۱-۱. فضای سایبری

از لحاظ لغوی سایبر به معنی مجازی و غیر ملموس می‌باشد، نخستین بار این اصطلاح «سایبرنتیک» توسط ریاضیدانی به نام نوربرت وینر در کتابی با عنوان «سایبرنتیک و کنترل در ارتباط بین حیوان و ماشین» در سال ۱۹۴۸ به کار برده شده است. سایبرنتیک علم مطالعه و کنترل مکانیزم‌ها در سیستم‌های انسانی، ماشینی (و کامپیوترها) است. فضای سایبر در معنا به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود. یک سیستم آنلاین نمونه‌ای از فضای سایبر است که کاربران آن می‌توانند از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. برخلاف فضای واقعی، در فضای سایبر نیاز به جابجایی‌های فیزیکی نیست و کلیه اعمال فقط از طریق فشردن کلیدها یا حرکات ماوس صورت می‌گیرد (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۲۳).

۲-۱. جرم سایبری

جرم سایبری در اصطلاح به جرمی گفته می‌شود که در محیطی غیرفیزیکی علیه فناوری اطلاعات با حالات شبیه‌سازی و مجازی‌سازی ارتکاب می‌یابد (جاویدنیا، ۱۳۸۸، ص ۲۲۵). امروزه بسیاری از جرائم سنتی، همزمان با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات به شدت منحول شده و به جرائم سایبری تبدیل شده‌اند (پرویزی، ۱۳۸۴، ص ۴۶). جرائم سایبری نیز به جهت گسترش خود، رفته‌رفته جانشین عباراتی چون جرم‌های رایانه‌ای و جرم‌های اینترنتی می‌شوند. به جرائم سایبر، جرائم علیه فناوری اطلاعات نیز گفته می‌شود (پرویزی، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

واژه رایانه به گونه‌ای دقیق و جامع نمی‌تواند گستردگی این محیط را نشان دهد زیرا بسیاری از ابزار و وسایل امروزی با داده‌هایی کار می‌کنند که اساساً به آن‌ها رایانه اطلاق نمی‌شود. از این رو عبارت‌هایی مانند جرم‌های رایانه‌ای یا جرم‌های اینترنتی نیز نمی‌توانند به گونه‌ای دقیق جرم‌های ارتكابی مربوط به این حوزه را پوشش دهند. برای نمونه یک سامانه ضبط و پخش الکترونیکی، رایانه نیست؛ اما به‌طور کلی در زیرمجموعه جهان سایبر قرار می‌گیرد. در جرائم سایبری، هیچ تأکیدی بر واسط وجود ندارد. وسایل مختلفی ساخته شده‌اند که هرکدام روش جدیدی را در راه‌یابی به این فضا، بدون نیاز مستقیم به رایانه پدید آورده‌اند، مثلاً تلفن همراه یکی از این وسایل است (پرویزی، ۱۳۸۴، ص ۹۵).

۳-۱. مفهوم بزه‌دیده و انواع آن

بزه‌دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند. هتینگ پدر علم بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده را چنین تعریف نموده: که بزه‌دیده جرم، مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هتینگ بزه‌دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی علیه است.

بزه‌دیدگی اولیه: عمل مجرمانه‌ای که شخص قربانی آن می‌گردد؛ می‌تواند قتل، سرقت، تجاوز به عنف و بسیاری از جرایم دیگر باشد.
بزه‌دیدگی ثانویه، در صورتی که بزه‌دیده یک جرم برای بار دوم قربانی شود

نشانه‌ای از آسیب‌پذیری است و نشان می‌دهد که بزه‌دیده بیش از حد در معرض خطر قرار دارد.

بزه‌دیدگی مکرر: یعنی کسی که چندین بار متحمل جرم شود و دائماً قربانی جرم می‌گردد (رایجیان، ۱۳۸۱، ص ۷۳).

مطابق ماده ۱۰ آیین دادرسی کیفری، بزه‌دیده کسی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد، چنانچه شاکی تعقیب مرتکب را درخواست کند و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند مدعی خصوصی نامیده می‌شود.

۴-۱. خسارت

خسارت در معنی اصطلاحی این کلمه به دو مفهوم به‌کار رفته است: خسارت به معنی زیان وارد شده ضرر خسارت به معنی جبران ضرر وارده علاوه بر خواص (حقوق‌دانان) که واژه خسارت را به معنی اصطلاحی آن مورد استفاده قرار داده‌اند، در عرف نیز این کلمه به دو معنای «خسارت زدن» و «خسارت پرداختن» مورد استفاده واقع شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۴۱۵). خسارت بر دو نوع است:

۱-۴-۱. خسارت مادی

در امور کیفری، خسارت مادی یا مالی، خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی مجنی‌علیه وارد می‌شود (ماده ۱۴ قاذک) و به‌صورت کاهش دارایی مثبت (از بین رفتن اعیان و اموال یا کاهش ارزش آن‌ها) یا افزایش دارایی منفی (اشتغال ذمه) متجلی می‌گردد.

۲-۴-۱. خسارت معنوی

در حقوق خارجی اغلب آن را در مقابل خسارت مادی قرار می‌دهند و آن را عبارت از ضرری می‌دانند که به دارایی معنوی شخصی وارد می‌شود و متشکل از دو قسمت اجتماعی و عاطفی است. پس در تعریف آن همچنانکه (در ماده ۱۴ قاذک) و تبصره‌های ذیل آن اشاره شده است، می‌توان چنین گفت که خسارت معنوی، ضرر و زیان وارد شده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی، معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی،

احساسات و عواطف و علائق خانوادگی است.

در مورد جبران آن دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر مثل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن بنماید (توجهی، ۱۳۷۸، ص ۳۲).

۲. حق بزه‌دیدگان سایبری بر حمایت در حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل راجع به حمایت از بزه‌دیدگان سایبری مقررات کیفری پیش‌بینی نشده است. حمایت از بزه‌دیدگان اصولاً شامل رسیدگی به خسارت وارده در اثر بزه و ترمیم وضعیت ایجاد شده می‌باشد. بنابراین، عمده بحث حمایت را می‌توان در قالب وادار کردن بزه‌کار به جبران خسارت وارده به بزه‌دیده دانست. از این رو، تعهد به پرداخت غرامت در قبال نقض‌های حقوق بین‌الملل، مبنای محکمی دارد.

درواقع، از نظر حقوق بین‌الملل «هر دولتی که خسارتی را به طرف دیگر وارد کرده، باید به تمام آثار ناشی از نقض مقررات و قواعد حقوقی پایان دهد» (RoubaAl, 2002, p. 13). اصول بنیادین راجع به حق بر جبران خسارت یادآور می‌شود که غرامت برای هر خسارتی که از نظر مالی قابل ارزیابی باشد باید در مورد نقض‌های فاحش حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه بین‌المللی پیش‌بینی شود. این خسارات شامل موارد زیر می‌شود:

۱- زیان‌های جسمانی یا روانی؛ ۲- فرصت‌های از دست رفته، از جمله کار، تحصیل و منافع اجتماعی؛ ۳- خسارات و ضررهای مادی ناشی از درآمدها، از جمله ضرر ناشی از درآمد ممکن الوصول؛ ۴- خسارات معنوی ۵- هزینه‌های لازم برای مساعدت حقوقی یا کارشناسی، خدمات پزشکی و دارویی و خدمات روانشناختی و اجتماعی.

به‌علاوه، غرامت پیش‌بینی شده باید متناسب با شدت نقض و اوضاع و احوال هر قضیه باشد. چنین غرامتی صرفاً به دولت‌ها داده نمی‌شود، بلکه نسبت به کسانی که منفرداً یا گروهی از خسارت وارده متضرر شده‌اند، قابل پرداخت است. بر این اساس، اعضاء نسبی خانواده و یا وابستگان نیز مستحق غرامت هستند.

ماده ۳۶ مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت مقرر می‌دارد:

۱- دولت مسئول عمل متخلفانه بین‌المللی متعهد به پرداخت غرامت در قبال

خسارات ناشی از عمل مزبور می‌باشد، مادامی که این خسارت با اعاده به وضع سابق قابل بهبود نمی‌باشد.

۲- غرامت باید تمام خساراتی را که از نظر مالی قابل ارزیابی هستند، از جمله عدم‌النفع را تا آنجا که محرز شده است، در بر بگیرد.

به‌علاوه، یک رویه حقوقی برای تأمین غرامت در قبال نقض‌های حقوق بین‌الملل که در زمینه اشغال خصمانه (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۸۴) و مخاصمات مسلحانه روی می‌دهند، وجود دارد. بعد از حمله عراق به کویت و اشغال این کشور در سال ۱۹۹۰، شورای امنیت ملل متحد قطعنامه ۶۷۴ را تصویب کرد که عراق را مسئول هرگونه خسارات، ضرر و زیان ناشی از حمله خود و اشغال غیرقانونی کویت می‌دانست. در ادامه این قطعنامه از دولت‌ها خواست تا اطلاعاتی را در زمینه ادعاهای خود برای تأمین غرامت مالی توسط عراق گردآوری نمایند. شورای امنیت براساس قطعنامه ۶۸۷ کمیسیون غرامت ملل متحد را تشکیل داد.

غرامت، ابزار اساسی تأمین جبران خسارت برای قربانیان است. این نکته در حقوق بین‌الملل جهانی و منطقه‌ای نیز مورد تأیید قرار گرفته است (Williams, 1999, p.213).

بنابراین، این بحث را می‌توان به دو شکل مطرح کرد: الف) در جایی که جرم سایبری به دولت قابل انتساب است؛ ب) در جایی که جرم سایبری توسط اشخاص خصوصی ارتکاب یافته است (و دولت آن را به‌عنوان عمل خود نپذیرفته است).

ذکر این نکته لازم است که امروزه در حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری دولت مورد پذیرش قرار نگرفته است. بنابراین، منظور از جرم سایبری قابل انتساب به دولت، عمل متخلفانه دولت در فضای سایبری است. منظور از عمل متخلفانه دولت یعنی نقض هر تعهد لازم اجرای دولت در فضای سایبری که منجر به طرح مسئولیت بین‌المللی دولت مزبور می‌شود.

۲-۱. اصول کلی حمایت از بزه‌دیدگان در حقوق بین‌الملل

آنچه امروزه از عدالت ترمیمی یاد می‌شود آنکه دولت‌ها باید به‌گونه‌ای امکان تحقق عدالت را فراهم آورند که بتواند حقوق از دست رفته و صدمات وارده به مجنی علیه را تأمین نماید، لذا در اسناد بین‌المللی ذیل خواهیم دید که کنوانسیون‌های تدوین شده

تلاش دارند تا دولت‌های عضو را ملزم نمایند تا با فراهم آوردن امکان توسل بزهدیدگان به مراجع قضایی را فراهم آورند تا حقوق تضییع شده آن‌ها را استیفا و جبران نماید و نادیده گرفتن این اصل مهم و بنیادی را نقض حقوق بشری تلقی نماید. مطالعه اسناد ذیل می‌تواند در جهت شناسایی اصول کلی حمایت از این نوع از بزهدیدگان راهگشا باشد و زمینه مناسبی را جهت تدوین و تنظیم معاهده بین‌المللی ناظر بر فضای سایبر در حمایت از بزهدیدگان جرایم سایبری را فراهم آورد. (Department of Justice of the United States, 2002, p. 52).

۲-۲. بررسی موضوع در اسناد جهانی

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، در پاریس به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و به‌عنوان اولین سند موجود در عرصه حقوق بین‌الملل به تکلیف دولت‌ها در رعایت و تضمین حقوق و آزادی‌های بشر، از جمله فراهم آوردن امکان استیفا و حقوق بزهدیدگان در مراجع قضایی و جبران خسارت ایشان و غیره تأکید نموده است.

به موجب بند ۳ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) هر دولت عضو میثاق متعهد می‌شود تا:

«الف) تضمین نماید که برای هر شخصی که حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق درباره او نقض شده وسیله مطمئن احقاق حق فراهم شود هر چند که نقض حقوق به وسیله اشخاصی مرتکب شده باشد که در اجرای مشاغل رسمی خود عمل کرده باشند. ب) تضمین کند که مقامات صالح قضایی، اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست‌دهنده احقاق حق کنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضایی را توسعه دهند. ج) تضمین کند که مقامات صالح حکم صادره در مورد جبران خسارت را اجرا نمایند». راهکارهای جبران موجود باید مؤثر باشند و اجرای آن‌ها باید توسط مقامات صالح تضمین شوند. قابل ذکر است که در خصوص اجرای قاعده توسل به راهکارهای جبران محلی در شق ب بند ۲ ماده ۵ پروتکل اختیاری میثاق، کمیته حقوق بشر معتقد است که قربانی ادعایی باید تنها به راهکارهای جبرانی متوسل شود که «به‌طور معقول

انتظار می‌رود مؤثر هستند». افزون بر آن، این خود دولت مدعی موجودیت این راهکارهای جبران است که باید کارایی آن‌ها را اثبات نماید.

ماده ۱۳ کنوانسیون منع شکنجه با اعلام ممنوعیت رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و ترذیلی هر دولت عضو را ملزم می‌نماید تا تضمین نماید که «هر فردی که ادعا می‌کند در سرزمین تحت صلاحیت یک دولت عضو در معرض شکنجه قرار گرفته است، حق دارد تا نزد مقامات صلاحیت‌دار شکایت کند، و شکایتش بلادرنگ و به‌طور بی‌طرفانه توسط مقامات مزبور رسیدگی شود. دولت‌های عضو باید تضمین نمایند که شاکی و شهود در مقابل بدرفتاری یا ارباب در نتیجه شکایتش یا هر دلیلی که ارائه می‌دهد، حمایت شوند».

کمیته منع شکنجه در این زمینه توصیه کرد که چین یک «نظام جامع برای بازنگری، تحقیق و رسیدگی مؤثر به شکایات افراد بازداشتی، از هر نوع، در رابطه با بدرفتاری تأسیس نماید. کمیته همچنین به اردن توصیه نمود تا «اقدامات بیشتری را برای حمایت از حقوق بازداشت‌شدگان، به ویژه دسترسی آنان به قضات، وکلا و پزشکان به انتخاب خود تقویت نماید». از این رو، کمیته از تأسیس «یک نظام «صندوق پست زندان» توسط دفتر دادستان عمومی پاناما برای تسهیل اعمال حق زندانیان مبنی بر تقدیم شکایات و عرض حال» استقبال کرد.

ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی نیز دولت‌ها را متعهد می‌سازد تا «حمایت و راهکارهای جبرانی مؤثر را از طریق محاکم ملی صلاحیت‌دار و دیگر نهادهای دولتی، در مقابل هر اقدام تبعیض‌آمیز نژادی که حقوق انسانی و آزادی‌های بنیادین را بر خلاف این کنوانسیون نقض می‌کند»، تأمین نمایند. در این خصوص، کمیته رفع هرگونه تبعیض نژادی توصیه کرد که سودان «تلاش‌های خود را برای تأسیس یک نظم حقوقی داخلی ادامه دهد تا به [مواد ۴، ۵ و ۶] این کنوانسیون ترتیب اثر دهد و دسترسی مؤثر و برابر به راهکارها از طریق محاکم صلاحیت‌دار ملی و دیگر نهادهای دولتی علیه هر اقدام تبعیض نژادی را تضمین نماید». در رابطه با ماده ۶، کمیته همچنین به فرانسه توصیه کرد تا «کارایی راهکارهای جبران در دسترسی قربانیان تبعیض نژادی را تقویت نماید» همین کمیته همچنین «ابعاد مرتبط با تبعیض نژادی بر اساس جنسیت» را مورد توجه قرار داده است. در این راستا، کمیته «توجه

خاصی»، از جمله، به «قابلیت دسترسی و قابلیت استفاده از سازوکارهای جبران و شکایات برای تبعیض نژادی» نموده است.

به موجب بند ج ماده ۲ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض از زنان، دولت‌های عضو این کنوانسیون متعهد می‌شوند تا «حمایت حقوقی را از حقوق زنان بر یک مبنای مساوی با مردان برقرار نمایند و از طریق محاکم صلاحیت‌دار ملی و دیگر نهادهای عمومی حمایت مؤثر از زنان را در مقابل هرگونه اقدام تبعیض‌آمیز تضمین نمایند». کمیته رفع تبعیض از زنان از بلاروس مصرانه خواست تا «راهکارهای جبران کافی را برای زنان به منظور تحصیل جبران خسارت آسان ناشی از تبعیض مستقیم یا غیرمستقیم به‌ویژه در حوزه کار و دسترسی زنان به این راهکارها، از جمله دسترسی به محاکم، با تسهیل معاضدت حقوقی به زنان... ایجاد نماید».

ماده ۸ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: دولت‌های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند. براساس بند دوم همین ماده، در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی به‌طور غیرقانونی خدشه‌دار شود، حکومت‌ها سریعاً درصدد ترمیم این خسارت برمی‌آیند.

یکی از مسایل مورد نگرانی و اهتمام جامعه بین‌المللی، تدوین یک سری راهکارهایی برای ایفای حق جبران و در نتیجه جبران خسارات وارده بر قربانیان نقض‌های حقوق بشر بود. در این راستا، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد منافع قربانیان نقض حقوق بین‌الملل بشر را برسمیت شناخت و در همین راستا «اصول و رهنمودهای بنیادین راجع به حق جبران و غرامت برای قربانیان نقض‌های حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی» (از این به بعد اصول ملل متحد در مورد حق جبران) را در پنجاه و ششمین اجلاس خود در سال ۲۰۰۰ مورد پذیرش قرار داد (نژندی منش، ۱۳۸۴، ص ۷۱).

در سال ۱۹۷۶، شورای اروپا بر ماهیت بین‌المللی جرایم رایانه‌ای و حمایت از بزه‌دیدگان آن تأکید داشت و در کنفرانسی بر روی جنبه‌های جرایم اقتصادی این موضوع بحث کرد. در سال ۱۹۸۵ شورای اروپا کمیته کارشناسی را برای بحث در مورد جنبه‌های قانونی جرایم رایانه‌ای تعیین کرد. در سال ۱۹۸۹، کمیته اروپایی در بررسی

مشکلات جرایم با گزارش کارشناسان در جرایم رایانه‌ای با تجزیه و تحلیل عناصر قانونی کیفری لازم برای مقابله با اشکال جرایم الکترونیک، از جمله کلاهبرداری رایانه‌ای و جعل رایانه‌ای موافقت کرد. کمیته وزیران در سال ۱۹۸۹ با پیشنهادی موافقت کرد که به‌طور ویژه بر ماهیت جرایم رایانه‌ای تأکید داشت: «کمیته وزیران بر اساس مفاد تبصره ۱۵ اساسنامه شورای اروپا، با در نظر گرفتن این که جرایم رایانه‌ای غالباً خصوصیت فرامرزی دارند، با آگاه بودن از نتایج مورد نیاز برای یکسان‌سازی بیشتر قانون و اجرا، و برای بهبود همکاری قانونی بین‌المللی، به کشورهای عضو توصیه‌هایی نمود.

در سال ۱۹۹۵، شورای اروپا در توصیه اصولی بیان می‌دارد که کشورها و مقامات تحقیق در حوزه فناوری اطلاعاتی باید سرلوحه کار خود قرار دهند. این اصول مواردی مثل تحقیق، تفتیش و تصرف، نظارت فنی، تعهد به همکاری با مقامات تحقیق‌کننده، ادله الکترونیکی، استفاده از رمزنگاری، آمارها و آموزش و همکاری بین‌المللی و حمایت از بزه‌دیدگان را در بر می‌گیرند. این سند موضوعات مزبور را از منظر تحقیق در مورد جرایم سنتی و جرایم سایبری بحث می‌کند.

در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، کمیسیون اروپایی چندین سند را منتشر کرد که به محتوای آنلاین و زیانبار غیرقانونی و استفاده ایمن از اینترنت پرداختند. در ۲۴ آوریل ۱۹۹۷، پارلمان اروپایی قطعنامه‌ای را در مورد «سند کمیسیون اروپایی در مورد محتوای غیرقانونی و زیانبار در اینترنت» پذیرفت که از ابتکارات این کمیسیون حمایت بر نیاز به همکاری بین‌المللی در حوزه‌های مختلف می‌باشد.

همچنین در سال ۱۹۹۷، کمیته شورای اروپا در مورد مشکلات ناشی از جرم اقدام به تأسیس کمیته جدید کارشناسان جرم در فضای سایبری نمود. و به کمیته جدید مأموریت تدوین «سند حقوقی الزام‌آوری» در خصوص این موضوعات داده شد.

شورای اروپا با حضور تمام اعضاء در آوریل ۲۰۰۱ پیش‌نویس تهیه شده کنوانسیون را پذیرفت. کنوانسیون نهایی برای تصویب به کمیته جرایم ارائه شد. پس از آن متن پیش‌نویس کنوانسیون برای پذیرش و امضاء به کمیته وزیران ارائه گردید. این کنوانسیون برای امضاء در مراسمی در بوداپست در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۳ ارائه شد. در این بین ۳۰ کشور کنوانسیون را امضاء کردند (از جمله ۴ کشور غیرعضو شورای اروپا، یعنی کانادا، آمریکا، ژاپن و آفریقای جنوبی که در مذاکرات شرکت کرده بودند). تا آوریل

۲۰۰۹، حدود ۴۲ کشور آن را امضاء و حدود ۲۵ کشور کنوانسیون جرایم سایبری را تصویب کردند. کشورهایی مثل آرژانتین، پاکستان، فیلیپین، مصر، بوتسوانا و نیجریه بخش‌هایی از قانون‌گذاری‌شان را مطابق با این کنوانسیون تنظیم کردند. اگرچه این کشورها هنوز کنوانسیون را امضاء نکردند، اما آن‌ها از فرآیند استانداردسازی یکسان‌سازی مورد نظر تدوین‌گران کنوانسیون تبعیت می‌کنند. امروزه این کنوانسیون به‌عنوان ابزار بین‌المللی مهمی در مبارزه با جرایم سایبری شناخته می‌شود و سازمان‌های بین‌المللی متفاوتی از آن حمایت می‌کنند و راجع به حمایت از بزه‌دیدگان سایبری متأسفانه هیچ سازوکاری در این کنوانسیون پیش‌بینی نشده است، لذا اسناد مذکور (به‌جز کنوانسیون بوداپست) راجع به حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری صراحتی ندارد.

۲-۳. بررسی موضوع در اسناد منطقه‌ای

به موجب ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (۲۱ اکتبر ۱۹۸۶) که مقرر می‌دارد: «۱- هر فردی از این حق برخوردار است تا دعوی‌اش مورد استماع قرار گیرد. این حق شامل موارد زیر می‌شود: الف) حق توسل به مراجع صالح ملی علیه اقدامات ناقض حقوق بنیادینش به‌گونه‌ای که در کنوانسیون‌ها، قوانین، مقررات و عرف‌های لازم‌الاجرا پذیرفته شده و تضمین شده است؛ ب) حق بر اصل برائت، مگر اینکه دادگاه یا دیوان صلاحیت‌دار مجرمیت او را محرز نماید؛ ج) حق دفاع، از جمله حق انتخاب وکیل؛ د) حق بر اینکه ظرف یک مدت زمان معقول توسط یک دادگاه یا دیوان بی‌طرف محاکمه شود. ۲- هیچ کس را نمی‌توان به خاطر فعل یا ترک فعلی محکوم کرد که در زمان وقوع از نظر حقوقی قابل مجازات نبوده است. هیچ مجازاتی نباید برای جرمی تحمیل شود که در زمان ارتکاب در مورد آن هیچ قانونی وجود نداشته است. مجازات شخصی است و تنها علیه مرتکب اعمال می‌شوند».

م. ماده ۲۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۲۲ نوامبر ۱۹۶۹)، در مورد حق حمایت قضایی چنین اشعار می‌دارد:

۱- هر شخص از حق توسل فوری و ساده یا هر توسل مؤثر دیگری به دادگاه یا دیوان صالح برای حمایت در مقابل اقداماتی که حقوق بنیادینش را که در قانون اساسی یا قوانین دولت مربوطه یا این کنوانسیون پذیرفته شده، نقض می‌کنند، برخوردار است،

علی‌رغم اینکه چنین نقضی ممکن است توسط اشخاصی صورت گرفته باشد که در حین انجام وظایف رسمی خود بوده باشند. ۲- دولت‌های عضو متعهد می‌شوند تا:

الف) تضمین نمایند که به درخواست‌های اشخاص مدعی ورود خسارت، توسط مرجع صالح مطابق سیستم قضایی آن دولت رسیدگی شود؛ ب) امکانات و راهکارهای جبران قضایی را توسعه دهند؛ و ج) تضمین نمایند که مقامات صالح، راهکارهای جبرانی را اجرا نمایند».

دیوان آمریکایی حقوق بشر اشعار داشته است که حق حمایت قضایی، به نحوی که در بند ۱ ماده ۲۵ تضمین شده، «اصل مؤثر بودن اسناد یا وسایل شکلی پذیرفته شده در حقوق بشر را شامل می‌شود که به منظور تضمین این حقوق پیش‌بینی شده است». به‌ویژه حق حمایت قضایی به این معناست که: «به موجب کنوانسیون، دولت‌های عضو متعهد هستند تا راهکارهای جبران قضایی مؤثر برای قربانیان نقض‌های حقوق بشر پیش‌بینی نمایند (ماده ۲۵)، این راهکارها باید براساس قواعد دادرسی عادلانه شکل بگیرند (بند ۱ ماده ۸) و همگی باید این تعهد کلی را حفظ نمایند که دولت‌ها باید اعمال کامل و آزاد حقوق پذیرفته شده در کنوانسیون را برای تمام افرادی که تابع صلاحیتشان هستند، تضمین نمایند (ماده ۱).

مورد چهارم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است (۴ نوامبر ۱۹۵۰) که این کنوانسیون در ماده ۱۳ خود تصریح می‌دارد: «هر فردی که حقوق و آزادی‌های بنیادینش به نحوی که در این کنوانسیون مقرر شده، نقض شوند، از یک راهکار جبران مؤثر نزد یک مرجع ملی برخوردار است علی‌رغم اینکه نقض مزبور توسط مأمور رسمی دولت ارتکاب یافته باشد». این ماده در دعاوی متعددی تفسیر شده است و موارد نقض، به‌ویژه در رابطه با حمایت از حق حیات، در شمار فزاینده‌ای از دعاوی مزبور محرز و مورد رسیدگی واقع شده است.

مورد آخر منشور عربی حقوق بشر است (۱۵ سپتامبر ۱۹۹۴) به موجب ماده ۹ آن: «همه اشخاص در مقابل قانون برابر هستند و هر کسی که در قلمرو یک دولت است باید از یک حق تضمین شده بر راهکار جبران حقوقی برخوردار باشد». به موجب بند سوم ماده ۱۶ «کسی که قربانی یک دستگیری یا بازداشت غیرقانونی است باید مستحق غرامت باشد».

۲-۴. شیوه جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری در حقوق بین‌الملل

با مطالعه شیوه‌های جبران خسارت از بزه‌دیدگان در حقوق بین‌الملل می‌توان شیوه‌های رایج در ذیل را در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری مطرح نمود:

۲-۴-۱. اعاده به وضع سابق

جبران خسارت باید در حد امکان تمام آثار عمل غیر قانونی را از بین ببرد و وضعیت را به حالت قبل از ارتکاب عمل غیرقانونی برگرداند. و در صورتی که این امر ممکن نباشد، باید غرامتی به ارزش اعاده به وضع سابق پرداخت شود...».

منظور از «اعاده به وضع سابق» این است که مرتکب حقوق قربانی را که در اثر اقدام مجرمانه نقض شدند، اعاده نماید. البته این اعاده تنها زمانی ممکن است که مال یا پول از دست رفته هنوز موجود باشد. از این رو، اعاده به وضع سابق راه‌حل پذیرفتنی در مورد جرایم خشونت‌باری از قبیل قتل عمد نیست.

علاوه بر اعاده مال یا پول به خاطر خسارت و ضرر وارده، قربانی همچنین می‌تواند بازپرداخت برخی هزینه‌ها را مطالبه نماید. این مطالبات و ادعاها مستلزم فهرست صریحی از هزینه‌ها و مخارجی است که قربانی در نتیجه بزه‌دیدگی متحمل شده است.

۲-۴-۲. پرداخت غرامت (Compensation)

رایج‌ترین شکل جبران خسارت وارده، پرداخت غرامت می‌باشد که با پرداخت پول صورت می‌گیرد. ادعای پرداخت غرامت در کنار یا به جای اعاده به وضع سابق مطرح می‌شود و غالباً با تقاضای جلب رضایت همراه است. غرامت در مقابل زیان‌های مادی یا غیرمادی ناشی از نقض تعهد که عینی و بالفعل باشد، پرداخت می‌شود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۳۶ بیان می‌دارد:

غرامت باید تمامی خسارات مالی قابل ارزیابی شامل منافع بالفعل را در بر بگیرد و

غرامت در مقابل خسارات وارده به سه شکل زیر قابل تصور است:

۱- غرامت اسمی؛ عبارت است از مبلغی پول که به جهت استناد به حقوق

به صورت اسمی و سبمولیک پرداخت می‌شود. ۲- غرامت برای خسارات مادی و مالی

۳- غرامت برای خسارات معنوی (مثل غرامت برای لطمه زدن به حیثیت و کرامت از جمله ترس، اهانت، فشار روحی و عصبی...).

۲-۴-۳. جلب رضایت بزه‌دیده

یکی دیگر از اشکال جبران خسارت، جلب رضایت زیان‌دیده است. اگر بزه ارتكابی از طریق اعاده یا پرداخت غرامت قابل جبران نباشد، مرتکب، مکلف به جلب رضایت زیان‌دیده نسبت به خسارت وارده می‌باشد. جلب رضایت زیان‌دیده می‌تواند شامل اعتراف به نقض، اظهار پشیمانی، عذرخواهی رسمی یا هر روش مناسب دیگری باشد. جلب رضایت زیان‌دیده باید متناسب با خسارت باشد، و نباید حالت تحقیرآمیز نسبت به کشور مسئول باشد.

جلب رضایت زیان‌دیده جنبه‌ای از جبران عمل نامشروع در مفهوم موسع کلمه است، این شکل از جبران برای خسارت‌های غیرمادی مناسب است. به هر حال جلب رضایت زیان‌دیده می‌تواند هر اقدامی را از سوی مرتکب در بر بگیرد: عذرخواهی یا اعتراف به عمل نامشروع، تعقیب و مجازات شخص مرتکب، اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای جلوگیری از تکرار عمل زیانبار، انجام اقدامات نمادین جبرانی. لازم به ذکر است که جلب رضایت، جایگزین غرامت نمی‌شود.

۲-۴-۴. مساعدت

علاوه بر نیازهای متعدد مالی، قربانیان یک جرم خشونت‌بار ممکن است نیازمند مراقبت پزشکی فوری یا حتی درازمدت و همچنین دیگر اشکال مساعدت باشند و براساس آن‌ها، قربانیان باید مساعدت‌های لازم مادی، پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی را از رهگذر ابزار دولتی، داوطلبانه، اجتماعی و بومی دریافت نمایند.

اشکال متعدد مساعدت را نه تنها از طرف دولت، بلکه از طرف جامعه و اجتماعات تخصصی نیز قابل پیش‌بینی می‌باشد. بخش عمده‌ای از این خدمات و مساعدت‌ها می‌تواند با توسعه انجمن‌ها یا نهادهای محلی دارای پرسنل متخصص و آشنا با نیازهای خاص قربانیان جرم بهبود یابد (جعفری، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴). قربانیان زیان‌دیده به‌طور مسلم نیازمند کمک‌های فوری پزشکی هستند.

۲-۴-۵. بازتوانی (Rehabilitation)

در بسیاری از موارد، علاوه بر پرداخت غرامت، نیاز به اتخاذ اقدامات بازتوانی هم با ماهیت فیزیکی و هم با ماهیت روان‌شناختی بوده است. بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون منع شکنجه به‌طور صریح دولت‌های عضو را مکلف می‌سازد تا برای قربانیان شکنجه جبران خسارتی که «شامل ابزاری برای بازتوانی کامل در حد ممکن باشد» تأمین نمایند (قاسمی، ۱۳۷۹، ص ۷۲۲).

۲-۵. استفاده از محاکم بین‌المللی قضایی

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن اصلی قضایی ملل متحد، صلاحیت رسیدگی به جرایم و همچنین شکایات موجودیت‌های غیردولتی را ندارد. در حقیقت، دیوان اصولاً صلاحیت رسیدگی به عمل متخلفانه بین‌المللی را قابل انتساب به دولتی را دارد که صلاحیت دیوان را برای رسیدگی پذیرفته باشد.

به‌طور مسلم، هر کشور تنها درخصوص عمل متخلفانه بین‌المللی مسئولیت دارد. منظور از عمل متخلفانه بین‌المللی، فعل یا ترک فعل دولت است که با تعهد بین‌المللی لازم‌الاجرای دولت متخلف در زمان نقض همخوانی و سازگاری نداشته باشد (ماده ۲۱ و ۲۰۱ معاهده مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی مصوب ۲۰۰۱) از این رو، اینکه آیا دیوان می‌تواند در یک پرونده خاص به یک جرم سایبری پردازد؟ مستلزم روشن شدن چند موضوع است:

۱) دیوان اصولاً صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های کیفری را ندارد. بنابراین، اگر صرفاً یک جرم سایبری ارتکاب یافته باشد، مثلاً کلاهبرداری سایبری، در این گونه موارد به‌طور مسلم دیوان صلاحیت ندارد.

۲) ممکن است فضای سایبری ابزاری برای نقض یک تعهد بین‌المللی باشد که منجر به عمل متخلفانه بین‌المللی برای آن دولت می‌شود. برای مثال، ابزاری برای نقض مصونیت کشور دیگر یا مصونیت رئیس یک کشور دیگر یا مأموران دیپلماتیک یا آرشيو دیپلماتیک کشور دیگر باشد. یا اینکه ابزاری برای نقض کنوانسیون نسل‌زدایی باشد. در این گونه موارد، دیوان ممکن است بتواند اعمال صلاحیت کند. مثلاً در مورد کنوانسیون نسل‌زدایی، همان‌گونه که در ماده ۹ آن آمده است، دیوان صلاحیت رسیدگی دارد.

۳) کشور خوانده باید نسبت به اعمال صلاحیت دیوان، به یکی از روش‌های مذکور در ماده اساسنامه دیوان یا به هر طریق دیگری، رضایت خود را اعلام کرده باشد. ۴) عمل متخلفانه مزبور یا قابل انتساب به دولت متخلف باشد یا اینکه دولت مزبور عملی را که اساساً قابل انتساب به آن نیست، مثلاً عمل اشخاص خصوصی، را پذیرفته باشد یا مورد تأیید قرار داده باشد.

۵) کشور خواهان، دعوای تبعه خود را بر مبنای حمایت دیپلماتیک متقبل شده باشد و از این طریق دعوای خود را با رعایت نکات پیشین، علیه یک کشور طرح نماید. بنابراین گرچه با توجه به نوظهور بودن جرایم سایبری مرجع قضایی بین‌المللی مشخصی تاکنون برای رسیدگی این جرم پیش‌بینی نشده است ولی با توجه به نحوه احراز صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در رسیدگی به جرایم، بدیهی است که در صورت تحقق شرایط مذکور دیوان به‌عنوان یک دادگاه بین‌المللی قضایی می‌تواند در حمایت از بزه‌دیده یک جرم سایبری وارد رسیدگی شود.

امروزه فضای سایبری می‌تواند محلی برای ارتکاب جنایات بین‌المللی نیز بشود. به‌عنوان مثال: در فضای سایبر می‌توان کاربران یک منطقه را به جنایاتی مثل نسل‌کشی تحریک نمود که در صورت وقوع آن می‌توان صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری با ارتکاب جنایت بین‌المللی از طریق فضای سایبری را متصور دانست.

۲-۵-۱. تشکیل دادگاه‌های موقت بین‌المللی

منظور از دادگاه‌های موقت، دادگاه‌هایی است که برای رسیدگی به جرم یا جرایم خاصی، در یک منطقه خاص و یا بدون در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی تشکیل شده‌اند و پس از انجام مأموریت خود نیز منحل شده و دیگر از نظر حقوقی وجود ندارند. بدیهی است که به منظور رسیدگی به جرایم سایبری می‌توان دادگاه‌های موقتی را به این منظور پیش‌بینی نمود.

۲-۵-۲. تشکیل یک دادگاه بین‌المللی کیفری دائمی ویژه جرایم سایبری

فضای سایبری دارای ویژگی‌ها و ماهیت خاصی است که نیازمند قاعده‌مندی و نظام حقوقی خاصی نیز می‌باشد. این فضا در حقیقت از فناوری اطلاعاتی و سایر فناوری‌ها

جداناپذیر است. با توجه به تخصصی و خاص بودن این فضا، قضاتی که به جرایم مرتبط با این فضا رسیدگی می‌کنند باید در حوزه فناوری اطلاعات و سایر فناوری‌های مرتبط متخصص باشند. بنابراین گرچه با توجه به نوظهور بودن جرایم سایبری تاکنون مرجع قضایی بین‌المللی مشخصی پیش‌بینی نشده است، به نظر می‌رسد ضرورت دارد تا یک دادگاه ویژه جرایم بین‌المللی سایبری تشکیل شود یا در دیوان بین‌المللی کیفری شعب تخصصی برای رسیدگی به این جرم پیش‌بینی شود.

۳. بررسی مقررات کیفری حقوق داخلی در حمایت از بزهدیدگان سایبری

در این قسمت قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای به‌عنوان قوانین کیفری موجود در حمایت از بزهدیدگان سایبری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. بررسی مقررات آیین دادرسی کیفری در حمایت از بزهدیدگان

به دلیل ابهامات و خلأهای موجود در حمایت از بزهدیدگان سایبری، که ماده ۶۸۷ قآدک مقرر می‌دارد: در مواردی که برای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای مقررات خاصی پیش‌بینی نشده، موضوع تابع قانون آیین دادرسی کیفری است.

گونه‌های سیاست جنایی دولت‌ها در حمایت از بزهدیدگان اصولاً در سه حالت حمایت از بزهدیده، بلافاصله پس از تحقق جرم، در مرحله دادرسی و صدور حکم و ملاً در مرحله اجرای احکام و تأمین ضرر و زیان وی می‌باشد.

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲/۱۲/۱۴ در مواد (۱، ۲، ۶، و ۷) به رعایت و تضمین و حفظ حقوق بزهدیده و رعایت حقوق شهروندی و مطابق قانون حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۲/۱۵ تأکید می‌نماید.

و در ماده ۱۴، ۱۵، ۱۷ این قانون اشاره می‌کند که شاکی می‌تواند جبران تمامی ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را پس از تعقیب متهم و تا قبل از اعلام ختم دادرسی مطالبه کند و دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری در خصوص ضرر و زیان وارد به مدعی خصوصی، رأی مقتضی صادر نماید.

در مواد ۷۰ و ۷۱ این قانون که حمایت از بزهدیده محجور می‌باشد که در صورت دسترسی یا عدم دسترسی به متهم .. و امکان یا شرایط طرح شکایت و پیگیری آن را

ندارند، برای تعقیب کیفری متهمین مقرر نموده است و این امر به جز مواد مذکور در مواد ۲۰۱، ۳۶۷، ۳۶۸ تأکید شده است و همچنین در ماده ۸۱ در زمان صدور دستور تعلیق تعقیب متهم در بند الف مقنن حفظ حقوق بزه‌دیده را مورد توجه داشته است و اعلام نموده که متهم بایستی در ارائه خدمات بر بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیانبار مادی یا معنوی ناشی از جرم یا رضایت وی اقدام نماید.

در وظایف و اختیارات بازپرس در ماده ۹۷ به منظور حمایت از بزه‌دیده و خانواده وی در برابر تهدیدات، بازپرس را مکلف نموده دستورات مقتضی را به ضابطان دادگستری در حمایت از وی صادر نماید.

در ماده ۹۹ قانون مذکور و در ابتدای ذیل ماده ۶ به‌عنوان اصل کلی مقرر شده است که متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذیربط از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. این امر در بند ب ماده ۹۶ مورد تأکید قرار گرفته است که بازپرس تصویر متهمان دستگیر شده به ارتکاب جرایم را برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان منتشر نماید.

مقنن در حمایت از بزه‌دیدگان، ضابطه خاصی برای اطفال و زنان بزه‌دیده پیش‌بینی نموده که به‌موجب ماده ۳۱ و ۴۲ قآدک، بازجویی و تحقیق از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان توسط ضابطان آموزش دیده و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

در بند ث ماده ۴۵ قآدک که در مقام مصادیق جرایم مشهود است، به قصد جلوگیری از پیشگیری و تداوم جرم و با هدف حمایت از بزه‌دیده شرایطی را مهیا کرده است که ضابطان بتوانند در منزل بزه‌دیده وارد شده و حمایت لازم را اعمال کنند.

مطابق با ماده ۱۰۰ نیز شاکی می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و از اوراق پرونده تصویر تهیه نماید و یا پرونده را مطالعه نماید و از همه مهم‌تر اینکه چنانچه دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده از قبیل شماره تلفن و نشانی و.. احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، بایستی تدابیر مقتضی برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات از سوی بازپرس و دادگاه در مرحله رسیدگی مطابق ماده ۱۰۱ صورت پذیرد. کما اینکه این امر در ماده ۴۰ قآدک به ضابطان نیز در پرهیز از افشای اطلاعات بزه‌دیده و شهود تأکید شده است. به منظور

حفظ حقوق بزه‌دیده در ماده ۱۰۴ تأکید شده که بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم در دسترس نیست تحقیقات را متوقف نماید و همچنین در صورت تقاضای تأمین خواسته در توقیف اموال متهم، بازپرس مطابق ماده ۱۰۷ و ۱۰۸ قرار تأمین خواسته را صادر نماید و در جمع‌آوری ادله شاکی و انجام تحقیقات و معاینه محلی و بازرسی و کارشناسی بازپرس دقت و توجه کافی در جمع‌آوری ادله استنادی شاکی را داشته باشد و چنانچه شاکی از تخلف کارشناس متضرر گردد می‌تواند مطابق ماده ۱۶۷ از کارشناس مطالبه جبران خسارت نماید. در صورتی که شاکی برای معرفی شهودش قادر به تأمین هزینه ایاب و ذهاب نباشد به دستور بازپرس هزینه‌ها از محل اعتبارات قوه قضاییه مطابق ماده ۲۱۵ پرداخت می‌گردد.

جهت تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان، بازپرس پس از تفهیم اتهام مطابق ماده ۲۱۷ و ۲۴۷ ق.ا.ک، یکی از قرارهای تأمین یا نظارت قضایی مصرح در آن را برای متهم صادر می‌نماید. بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات، چنانچه بزه‌دیده به قرارهای نهایی صادره، مثل منع تعقیب یا موقوفی تعقیب و... محکوم باشد، می‌تواند مطابق ماده ۲۷۰ به دادگاه اعتراض کند تا چنانچه حقوق وی در این مرحله تضییع گردیده، مورد رسیدگی قرار گیرد.

مطابق تبصره ماده ۳۴۷ قانون مذکور هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی را ضروری بداند، برای وی وکیل با هزینه قوه قضاییه انتخاب می‌کند.

در ماده ۳۵۹ به توافقی بودن دادرسی تأکید شده برای بزه‌دیده‌ای که قادر به تکلم زبان فارسی نیست یا ناشنواست در مواد ۳۶۷ و ۳۶۸، دادگاه مکلف به دعوت مترجم رسمی مورد وثوق می‌باشد.

ماده ۴۰۴ که تسریع در دادرسی و صدور حکم است، قضات دادگاه کیفری را مکلف نموده تا پس از اعلام ختم دادرسی در همان جلسه مبادرت به صدور رأی نمایند. از دیگر حقوق بزه‌دیده در فرآیند دادرسی، موضوع احاله و رد دادرسی است. و مطابق تبصره ماده ۴۱۹ ق.ا.ک، احاله پرونده نایستی موجب عسر و حرج شاکی یا مدعی خصوصی گردد.

لذا آنچه از حقوق حمایتی بزه‌دیده و همچنین اصول تضمین حقوق بزه‌دیده در

مرحله فرآیند صدور حکم حاصل می‌شود شامل: مستدل بودن احکام، تسریع صدور حکم، صدور حکم ضرر و زیان در ضمن حکم کیفری تقاضای اعسار و معافیت موقت از پرداخت هزینه دادرسی در شکایت کیفری و در دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم، تشدید حکم مجازات بدوی، در مرحله تجدیدنظرخواهی می‌باشد.

۲-۳. بررسی آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری

مواد ۶۶۴ و ۶۶۵ آذک به صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم سایبری با توجه به اصول صلاحیت حمایتی، شخصی، سرزمینی و جهانی پرداخته است. که بزه‌دیدگان مصرح در بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۶۶۴ می‌توانند به دادگاه‌های ایران جهت رسیدگی به جرایم وقوع پیوسته مراجعه نمایند، لذا صرف‌نظر از ایرادات و اشکالاتی که به این بخش از آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای مطرح است، آن است که مقنن در بند ت ماده ۶۶۴ صرفاً به جرایم رایانه‌ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از اینکه بزه‌دیده یا مرتکب ایرانی یا غیرایرانی در ایران یافت شود، پرداخته است. درحالی‌که جاداشت تا با توجه به موارد صلاحیت جهانی محاکم در رسیدگی جرایم بین‌المللی مانند جرایم علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و... چنانچه جرایم رایانه‌ای منتهی به جرایم بین‌المللی مذکور گردد مورد توجه قرار می‌گرفت و صرفاً به یکی از موارد صلاحیت جهانی که اشخاص زیر ۱۸ سال است مورد توجه قرار نگیرد تا از این حیث امکان حمایت از بزه‌دیدگان سایبری در صورت تحقق جرایم بین‌المللی نیز فراهم گردد و آنچه راجع به صلاحیت دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جرایم حاصل از بند ب ماده ۶۶۴ مطرح می‌شود هم خالی از ایراد و سؤال نمی‌باشد. لذا چنانچه بزه‌دیدگان جرم ارتكابی از طریق تارنماهای دارای دامنه مرتبه بالای کد کشور ایران (.ir) ارتكاب یابد تبعه‌های کشورهای خارجی باشند مشخص نیست که رویکرد مقنن و دادگاه‌های ایران در رسیدگی به شکایات بزه‌دیدگان سایبری ساکن در کشورهای دیگر چگونه است. بر فرض اینکه از طریق تارنماهای ایران جرمی صورت گیرد که بزه‌دیدگان آن هزاران نفر خارجی باشند آیا مقنن ایران تمایلی به رسیدگی به این جرایم دارد یا خیر؟ که پاسخ این سؤال با توجه به رویه قضایی کشورمان از این حیث منفی می‌باشد.

اقدام حمایتی دیگر این قانون را می‌توان حفظ داده‌های رایانه‌ای یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی دانست که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود دارد که این حمایت از حمایت‌های تبعی از بزهدیدگان مطرح می‌باشد و برای تحقیق و دادرسی، لازم و ضروری است از سوی مقام قضایی دستور حفاظت یا توقیف و تفتیش آن‌ها صادر شود و چنانچه ضابطان قضایی، کارکنان دولت و یا اشخاصی که وظیفه حفاظت داده‌ها بر آن‌ها سپرده شده خودداری یا آن‌ها را افشا نماید مطابق مواد ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ مستوجب مجازات خواهد بود این امر مبین آن است که مقنن در حفظ حقوق بزهدیده سایبری از حیث جمع‌آوری و نگهداری ادله جرم و شناسایی مجرمین اهمیت بسزایی قائل است.

با توجه به ماده ۶۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری در مواردی که برای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است می‌توان گفت که سایر مقررات آ.د.ک در بسیاری از موارد از جرایم رایانه‌ای که مقررهای پیش‌بینی نشده است، مثل کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به ضابطان دادگستری اختیارات بازپرس و دادستان، رسیدگی دادگاه‌های کیفری اعتراض آراء، اجرای احکام و... که دارای خلأ و سکوت است قابل اجرا و لازم‌الرعايه است. که بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مقنن کشورمان در تدوین قانون جرایم رایانه‌ای کشورمان توجه چندانی به بزهدیدگان جرایم سایبری نداشته است.

۳-۳. جبران خسارت و شیوه‌های آن نسبت به بزهدیده سایبری در مقررات کیفری ایران

در قانون جرایم رایانه‌ای کشورمان راجع به حمایت بزهدیدگان سایبری از حیث جبران خسارت وارده و شیوه‌های آن موضوعی پیش‌بینی نشده است اما با توجه به اطلاق ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر داشته شاکی می‌تواند در صورت وقوع خسارت جبران ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه نماید و در صورت وقوع زیان معنوی که شامل صدمات روحی، هتک حیثیت، اعتبار شخصی، خانوادگی و اجتماعی هست، دادگاه علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی می‌تواند متهم را از طریق الزام به عذرخواهی و درج حکم در جرایم و امثال آن محکوم نماید. به‌عنوان مثال: چنانچه بزهدکاری در فضای مجازی با تغییر در داده‌های

متعلق به دیگری تصویر یا فیلم خصوصی و خانوادگی را با علم به تحریف آن منتشر نماید مطابق ماده ۸ و ۱۶ جرایم رایانه‌ای علاوه بر جبران خسارت مادی به خسارت معنوی حاصله نیز محکوم می‌شود.

از ایرادات وارده به قانون فعلی جرایم رایانه‌ای آن است که با توجه به تأثیرات و اهمیت فزاینده فضای مجازی در زندگی روزمره اشخاص در دنیا لازم بود تا مقنن کشورمان به منظور استیفای حقوق حقه شاکی و پیشگیری و مقابله با جرایم ارتكابی در فضای مجازی، مصادیق و شیوه‌های جبران خسارت وارده را به خوبی مشخص و تبیین نماید. همچنانکه در بخش نخست این مقاله اشاره کرده‌ایم حقوق بین‌الملل کیفری شیوه‌های جبران خسارت بزه‌دیدگان را در حالاتی مثل اعاده به وضع سابق، مساعدت، بازتوانی، غرامت، جلب رضایت بزه‌دیده و غیره پیش‌بینی نموده که شایسته است این رویکرد در حقوق داخلی کشورمان به‌طور خاص مورد توجه قرار گیرد.

یکی از نکات مهم دیگر در جبران خسارت از بزه‌دیدگان فضای مجازی که می‌بایست در قانون جرایم رایانه‌ای توسط مقنن کشورمان مورد توجه قرار گیرد موضوع حمایت دولت از اتباع بزه‌دیده خویش در صورت عدم شناسایی متهمین می‌باشد که جبران خسارت وارده به بزه‌دیدگان از طریق شیوه‌هایی چون تأدیه خسارت به آنها از منابع مالی قانونی جایگزین پیش‌بینی شده در قانون باشد به‌عنوان مثال: در قوانین داخلی کشورمان صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در تصادفات در صورت عدم شناسایی متهمین پیش‌بینی شده است و یا در ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی راجع به پرداخت دیه از بیت‌المال به اشخاصی که مورد قتل و ضرب و جرح عمدی واقع می‌شوند و قاتل و ضارب آنها مشخص نیست به حمایت از این دسته از بزه‌دیدگان پرداخته است که شایسته است تا در این مورد هم چاره‌اندیشی مناسبی اتخاذ گردد.

۳-۴. استفاده شعبی از دادسرا یا دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به جرایم سایبری توسط قضات متخصص در مقررات کیفری ایران

نکته دیگری که در حمایت از بزه‌دیدگان سایبری در قانون جرایم رایانه‌ای به آن پرداخته موضوع ماده ۶۶۶ و تبصره ذیل آن است که مقرر داشته تا قوه قضاییه به تناسب ضرورت شعبه یا شعبی از دادسراها و دادگاه‌های کیفری یک و کیفری دو،

اطفال و نوجوانان، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرایم رایانه‌ای اختصاص دهد و مقامات قضایی دادرها و دادگاه‌ها، قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند، انتخاب نمایند.

با توجه به فنی و نوظهور بودن جرم مذکور در فضای سایبری شایسته است تا درخصوص این بزه هم مانند سایر جرایم که مقنن عقیده به رسیدگی تخصصی آن‌ها به لحاظ محاسن حاصله در محاکم قضایی کشورمان و سایر کشورها دارد، از قضاتی که دارای آگاهی و تخصص لازم در رسیدگی به جرایم سایبری را دارند در شعب تخصصی دادرها و دادگاه‌ها استفاده نماید که این امر اولاً مستلزم فراهم آوردن تمهیدات لازم از حیث آموزش به قضات علاقمند به خدمت در این حوزه و ثانیاً اختصاص شعبی از دادرها یا دادگاه‌های کیفری یک و دو و نظامی و اطفال بر حسب درجه‌های مجازات ارتكابی در فضای سایبری رسیدگی نمایند می‌باشد که متأسفانه در کشورمان علی‌رغم فراهم شدن جنبه تقنینی این موضوع، تاکنون زمینه اجرایی آن فراهم نشده است که این امر یکی از ایرادات و اشکالات مهم به عملکرد دستگاه قضایی کشورمان است و بدیهی است که با اجرای مقررات ماده ۶۶۶ و تبصره ذیل آن زمینه مناسب و مؤثری در جهت حمایت از بزه‌دیدگان سایبری فراهم می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در پاسخ به سؤال این مقاله که آیا در حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی مقررات کیفری وجود دارد یا خیر؟ و مقررات حمایتی موجود چگونه ارزیابی می‌شود؟ با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده در مقاله حاضر باید گفت که قواعد موجود، سازوکارهای فعلی در چارچوب حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کافی، مؤثر و رسا نمی‌باشد که علاوه بر مقررات موجود (مقررات مشترک) لازم است تا در این خصوص مقررات حقوقی خاصی پیش‌بینی شود و به‌عنوان پیشنهاد باید گفت که در حقوق بین‌الملل لازم است تا اجماع بین‌المللی بین دولت‌ها نظیر تشکیل معاهده بین‌المللی جهانی در حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان جرایم سایبری مثل تشکیل دادگاه ویژه سایبری، پلیس بین‌المللی فضای سایبری و بالا بردن کارکرد NGOهای دولتی و غیردولتی، رسانه‌های همگانی و افکار عمومی جهت سوق دادن دولت‌ها در حمایت از

بزه دیدگان سایبری صورت پذیرد. در حقوق داخلی چون مقررات کیفری جامع و مؤثری در حمایت از بزه دیدگان سایبری در قانون جرایم رایانه‌ای و آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای کشورمان پیش‌بینی نشده است و مقررات عام آیین دادرسی کیفری نیز به خوبی تأمین‌کننده حمایت لازم از این بزه دیدگان نمی‌باشد، لازم است تا نسبت به اصلاح قوانین فعلی در حمایت از بزه دیدگان جرایم سایبری تهیه و تدوین گردد.

کتابنامه

فارسی

- پرویزی، رضا (۱۳۸۴)، *پی‌جویی جرائم رایانه‌ای*، چاپ اول، تهران: جهان جام جم.
- توجهی، عبدالعلی (زمستان ۱۳۷۷)، سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان، *مجله مجتمع آموزشی عالی*، قم: سال اول، شماره ۴.
- جاویدنیا، جواد (۱۳۸۸)، *جرائم تجارت الکترونیکی*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ دوم.
- جعفری، مجتبی (۱۳۸۷)، *مختصر جرم‌شناسی (خلاصه‌ای از مباحث درس جرم‌شناسی دکتر نجفی ابرندآبادی)*.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، *ترمیولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سیزدهم.
- حسینی، بیژن (۱۳۸۲)، *جرائم اینترنتی علیه اطفال و زمینه‌های جرم‌شناسی آن*، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، *بزه‌دیده در فرآیند کیفری*، تهران: انتشارات خط سوم.
- عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۹۰)، *رویکرد قضایی به آسیب‌ها، جرائم و قوانین و سیاست‌های فضای مجازی*، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۷۹)، *عوامل اجتماعی و جرم، دو ماهنامه معرفت*، شماره ۳۶.
- قاسمی، حامد (۱۳۸۴)، *تعهدات دولت اشغالگر: با تأکید بر اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۴)، تهران: انتشارات جنگل، چاپ چهارم.
- قانون مجازات اسلامی جدید (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات دیدار، چاپ یکصد و بیست و سه.
- گنجی، منوچهر (۱۳۴۹)، «تدابیر بین‌المللی برای اجرا و حفظ حقوق بشر و آزادی‌های

اساسی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹)، *از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی (دیباچه کتاب جرم‌شناسی؛ ژرژ پیکا)*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.
نژندی منش، هیبت‌الله، (شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۵)، «شورای جدید حقوق بشر سازمان ملل متحد»، روزنامه اعتماد ملی.

انگلیسی

Al-Salem, Rouba, Israel's Raid on Arab Banks in the Occupied Palestinian Territories: A legal <http://www.un.org/Depts/dhl/resguide/r60.htm>
<http://www.un.org/ga/president/60/speeches/060223b.pdf>
Bocij, Paul, (2004) , *Cyberstalking: Harassment in the Internet Age and How to Protect Your Family*, Westport, CT: Praeger
Williams and McShane, (1999) , *Criminological theory*. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall
Brenner, Susan, *Toward a Criminal Law for Cyberspace: Distributed Security*, University of Dayton School of Law, available at: <http://law.bepress.com/expresso/esp/15>
Department of Justice of the United States, (2002) . *Searching and Seizing Computers and Obtaining Electronic Evidence in Criminal Investigations*

Archive